



## سراغاز



سید مصطفی شریفی

کارشناس ارشد راه و ساختمان، (سردبیر)

## تاب آوری تا... یکصد



تاب آوری تا... یکصد

«شب‌های هجر را گذراندیم و زنده‌ایم

ما را به سخت جانی خود این گمان نبود»

فصل‌ها از پی هم آمدند و رفتند. دوره‌های پیاپی سازمان نیز (ده دوره)، با هیأت مدیره‌هایی با سلیقه‌ها و مشی‌های گوناگون. گاه سازگار که همراهی‌شان انگیزه‌ی پویایی‌مان بود و گاه ناساز، که رفاقت نیمه راهی‌شان، برانگیزاننده‌ی تاب‌آوری و ماندگاری‌مان شد، تا این‌جا و امروز که یکصدمین شماره‌ی فصل‌نامه (بهار ۱۳۹۸) را در دست دارید.

«شماره‌های نخستین نشریه در بُرهِی زمانی هیچ نداشتن‌ها از بودجه و امکانات مورد نیاز، با ماشین تحریر دستی و گاه با دست‌نوشته‌های دوستان تهیّه و با استفاده از داشته‌های دفاتر دوستان فتوکپی، تکثیر، منگنه و برای اعضا فرستاده می‌شد.

«گزارش یکم» تاریخ آبان ماه ۱۳۷۰ را بر جلد مقوایی خود دارد...»<sup>۱</sup>

«... هشت سال گذشت تا «سازمان» در اواخر سال ۱۳۷۸ موفق به دریافت امتیاز رسمی انتشار «گزارش سازمان» از وزارت ارشاد گردید و شماره‌ی ۲۵ نشریه در بهار ۱۳۷۹ با شناسه‌ی رسمی منتشر شد...»<sup>۲</sup>

اکنون که از شروع کار بیش از ۲۷ سال می‌گذرد، با نگاهی به شناسه‌ی نشریه‌ی حاضر، نام بنیان‌گذاران نشریه را هم‌چنان با عنوان «شورای نویسندگان» می‌بینیم. آنانی که در همه‌ی این سال‌ها بی‌مزد و منت در رویارویی با مشکل‌ها استوار ایستادند و با وجود بروز وقفه‌های گه‌گاهی از تعطیل شدن نشریه جلوگیری کرده، فصل به فصل بر بهتر شدن آن و تأثیرگذاری بر امور سازمان و مسائل شهر و دیارمان پای فشرده‌اند. سنجش شکل و محتوای «گزارش یکم» و نشریه‌ی حاضر، چگونگی گذار از خامی به پختگی‌مان را می‌نمایند که البته داوری نهایی در این مورد با خوانندگان است و این مهم با همت همه‌ی دست‌اندرکاران، اساتید، نویسندگان مقاله‌ها، نمایندگان گروه‌های تخصصی به‌ویژه شهرسازی و برق، داوران، طراح، مدیران اجرایی، ویراستاران، چاپخانه‌ها و مسئولان و کارکنان سازمان به دست آمده است که درج نام‌شان در این

**شماره‌های  
نخستین نشریه  
در بُرهِی زمانی  
هیچ نداشتن‌ها از  
بودجه و امکانات  
مورد نیاز، با ماشین  
تحریر دستی و گاه  
با دست‌نوشته‌های  
دوستان تهیّه و با  
استفاده از داشته‌های  
دفاتر دوستان  
فتوکپی، تکثیر،  
منگنه و برای اعضا  
فرستاده می‌شد.**

۱. برگرفته از نشریه‌ی ۴۸ (بهار ۱۳۸۵)

۲. برگرفته از نشریه‌ی ۸۶ (پاییز ۱۳۹۴)

مختصر نمی‌گنجد و با نگاه به شناسه و نمایه‌های نشریه‌های پیشین می‌توان به آن دست یافت.<sup>۳</sup>

در این یکصد شماره، تاریخچه‌ی کاملی از آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها، گزارشی جامع از کارهای انجام شده در سازمان، مقاله‌های علمی متعدد و میزگردهای تخصصی فراوان و متناسب با زمان و مکان درباره‌ی مشکلات ساخت‌وساز و تازه‌های مهندسی را می‌توان یافت. پیشنهادها و انتقادهای سازنده درباره‌ی مباحث مختلف مقررات ملی ساختمان و ویرایش‌های آن، بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های مرتبط با سازمان، اخلاق و منش مهندسی، حقوق مهندسان و جامعه، خدمات مهندسی و آموزش کاربردی برای مهندسان، بخش دیگری را در این مجموعه‌ی یکصد شماره‌ای به خود اختصاص داده است.

بررسی‌های کارشناسانه‌ی پروژه‌های در دست اجرای شهر چونان پارک‌ها، خیابان‌ها و بلوارها، قطار شهری، کنارگذرها، زیرگذرها و برهم‌گذرها، میراث فرهنگی، هتل‌ها و سایر ساخت‌وسازها از منظر شهرسازی و هر آنچه در و بر شهر و دیار و کشورمان می‌گذرد (از آب و آتش و باد و گردوغبار تا زلزله و سیل و برف و تخریب باغ‌ها و محیط زیست و ...) به هنگام انجام شده، نقاط ضعف و قوت آنان واکاوی و پیش‌بینی شده و به مسئولان و دست‌اندرکاران مربوط یادآوری و ارائه شده است.

به باور کارشناسان و صاحب‌نظران، مطالب و موارد موضوعی هر بخش از این مجموعه<sup>۴</sup>، می‌تواند به صورت کتابی جداگانه و ارزش‌مند و قابل استفاده برای مهندسان، دانشجویان مهندسی و مردم و مسئولان تدوین و منتشر گردد.

اما آنچه مرا وامی‌دارد تا در جایگاه سردبیر امروزین نشریه، این تاریخچه‌ی مختصر را مرور کنم، قدردانی و سپاسگزاری از بزرگوارانی است که بی‌هرگونه چشم‌داشت مادی، هم‌چنان پایدار در جلسه‌ها شرکت می‌کنند، قلم می‌زنند، مقاله‌ها و نوشتارها را داوری می‌کنند، رهنمود می‌دهند و درباره‌ی مطالب و شکل و شمایل نشریه نظر می‌دهند و من در تمامی این سال‌ها و فصل‌ها از آنان بسیار آموخته‌ام.

گزیده‌هایی از مطالب درج شده با عناوین سرمقاله، پیش‌نوشتار، پیش‌گفتار، سخن آغازین، سخن روز، سخن سردبیر و... در نشریه‌های پیشین را در ادامه آورده‌ام تا گذاری یادمانی، پیوندی و پیوستی داشته باشم بر تاریخ این دوره‌ها، سال‌ها و فصل‌ها که بر ما و بر «فصل‌نامه‌ی گزارش سازمان» گذشته است:

شبا هنگام

شمع روشنی با من - کنار من،

نشسته، فصلی از تاریخ می‌خواند،

نمی‌دانم چه می‌بیند؟

- که می‌گرید؛

- که می‌سوزد؛

.....

**گزارش یکم - آبان ۱۳۷۰**

**پیش‌گفتار: محمدجعفر کاشف حقیقی**

«... برقراری اصول و ضوابط صحیح در امور مربوط به فضاهای زیستی از طراحی گرفته تا محاسبات و تأسیسات و نظارت و اجراء مستلزم تشکل و یک‌پارچگی و وحدت کلیه‌ی متخصصین دست‌اندرکار امر فوق و ایجاد حسّ مسئولیت در بین آنان است...»

«... لازم است این جامعه‌ی عظیم تخصصی و علمی ضمن ارتقای سطح دانش علمی و تجربی اعضای خود و راهنمایی و آموزش به اعضای جوان‌تر با اطلاع از آخرین دست‌آوردهای تکنیکی و فنی جهان و با بها دادن به ارزش‌های فرهنگی جامعه و جایگزین نمودن معیارهای باارزش و استفاده از مناسب‌ترین شیوه‌های ساخت، در استفاده‌ی منطقی از بودجه‌های مصرفی که ثروت ملی کشور به حساب می‌آید، نقش حساس خود را در فعالیت‌های دوران سازندگی کشور ایفا نماید...»

**گزارش سوم - شهریور ۱۳۷۱**

**از سرمقاله: محمدرضا راهنما**

«... اندیشه‌مندان جهان و مجامع بین‌المللی در دهه‌ی اخیر و در آستانه‌ی ورود به سده‌ی بیست و یکم، بیش از هر چیز برای یافتن راه حل دو مشکل عمده تلاش می‌ورزند:

۳. نمایه‌ی موضوعی شمارگان پیشین نشریه در انتهای همین نشریه آمده است.

۴. نگاه کنید به نمایه‌ی موضوعی در پایان همین نشریه

**به باور کارشناسان  
و صاحب‌نظران،  
مطالب و موارد  
موضوعی هر بخش  
از این مجموعه،  
می‌تواند به صورت  
کتابی جداگانه  
و ارزش‌مند و  
قابل استفاده  
برای مهندسان،  
دانشجویان مهندسی  
و مردم و مسئولان  
تدوین و منتشر  
گردد.**



۱- کاهش خطرات ناشی از بلایای طبیعی؛

۲- حفاظت از محیط زیست.

در واقع، مبارزه با طبیعت و چیرگی بر آن، برای آسایش و رفاه انسان، که آرمان بشر قرن ۱۹ و ۲۰ بوده، به نوعی سازگاری و دوستی با طبیعت بدل شده است و بشر اندیشه‌ور در این رؤیاست که مشکلات زیست محیطی را با گونه‌ای «توسعه» چاره‌جویی کند که با طبیعت هم‌خوان باشد...»

«... جای تردید نیست که مهندسان در مقام به‌کارگیرندگان دانش و فن‌آوری و به فعل درآوردندگان دست‌آوردهای علمی، نقشی به مراتب حسّاس‌تر از دیگران در «توسعه» با حفظ «سلامت محیط زیست» دارند و باید بیش از دیگران چه به صورت فردی و چه در قالب سازمان‌ها و نهادهایی که مشارکت دارند، در این راستا بکوشند...»

### گزارش ۷ - شهریور ۱۳۷۲

#### دیدگاه: سعید پزشکی

«... برای نمونه، رعایت یا عدم رعایت مقررات ملی ساختمان در طراحی سازه و اجرای آن، که جان و مال ساکنان یک بنا در گرو آن است، نه دیدنی است و نه مورد پی‌گیری و شناسایی خریدار؛ لذا در تعیین بهای ملک اثری ندارد، بل که تنها نام‌های «اسکلت فلزی، بتنی» مورد توجه است. در زمینه‌ی معماری، توجه به اقلیم و طراحی مناسب، تأمین نور مورد نیاز هر بخش از بنا، نحوه‌ی ارتباط بین فضاها و میزان آسایش ناشی از رعایت این موارد کمتر جایی در قیمت معاملات دارد... هنگام خرید و فروش املاک... ارزش‌های واقعی در امر ساخت‌وساز به کلی به فراموشی سپرده می‌شود. در نتیجه، ارزش‌های واقعی در امر ساخت‌وساز و امور اقتصادی مربوط به آن جای خود را به ظواهر و پیرایه‌ها و مبانی کاذب داده و کاسب‌کاری و ظاهرسازی، جانشین ارزش‌های مهندسی بنا گردیده است.»

«... باید تهیه‌ی شناسنامه بنا، بر مبنای مقررات ملی ساختمان برای هر بنا الزامی گردد. این شناسنامه، فهرست کنترلی است که بر مبنای مباحث گوناگون مقررات ملی ساختمان تهیه شده و در مراحل مختلف ساخت بنا، توسط مهندسان ناظر بررسی و تکمیل می‌شود و میزان رعایت و یا عدم رعایت این مقررات و حدود رفع نواقص نیز در آن منعکس می‌شود...»

این شناسنامه مبنای صدور پایان کار و هر نوع معامله‌ی بنا قرار می‌گیرد و ... باید هنگام خرید و فروش ساختمان‌ها به خریدار ارائه شود...»\*

\* گفتنی است که این پیشنهاد پس از گذشت بیش از ۱۵ سال مورد توجه مسئولان قرار گرفته است و از سال ۸۹ به بعد اجرا می‌شود.

### گزارش ۸ - آذر ۱۳۷۲

#### سرمقاله: سیدمصطفی شریفی

«... می‌توان گفت که برای شروع دوره‌ی دوم فعالیت سازمان همه چیز مهیاست: امکانات بسیاری که هر کدام با هزاران زحمت و خون دل خوردن و فداکاری و از خودگذشتگی تأمین گردیده، در دست است و آیین‌نامه و دستورالعمل‌های اجرایی قانون نیز که به عنوان مهم‌ترین ابزار کار «سازمان» لازم است، تدوین و برای اجرا ابلاغ شده است و به خواست خدا می‌رویم تا به زودی افرادی را برای اداره‌ی سازمان در دوره‌ی دوم برگزینیم...»

«... اخیراً دیدگاهی مطرح می‌شود که «برای پیش‌برد اهداف سازمان بهتر است برای عضویت در هیأت مدیره و شورای انتظامی به بعضی از «مقامات ذی‌ربط» رأی داده شود تا با استفاده از نفوذ آن‌ها کارها راحت‌تر انجام گیرد. به دلیل حساسیت موضوع این دیدگاه باید با توجه به نکات زیر مورد ارزیابی قرار گیرد:»\*

\*\* خوشبختانه به این پیشنهادها نیز در سال‌های اخیر توجه و دستورالعمل اجرایی آن ابلاغ شده است.

۱- تجربه نشان داده است «مقامات» کارشان، وقت‌شان و محل خدمت‌شان در اختیار خودشان نیست و معمولاً آن‌قدر گرفتار هستند که برای انجام کارهای خودشان هم وقت کم می‌آورند و یا برای انجام خدمات ارزنده‌تر به استان‌های دیگر فرستاده می‌شوند... چه تضمینی هست که این «مقامات» دست‌کم برای یک دوره در مقام و محل خود باقی بمانند؟

۲- اگر «مقامات ذی‌ربط»، وقت کافی داشته باشند... و به اعتبار و حیثیت «سازمان نظام مهندسی» نیز بیندیشند، می‌توانند وقت اضافی و نفوذ خود را در حمایت از «سازمان» به کار گیرند... در این صورت نیروها مضاعف می‌شود...»



## گزارش ۹ - اسفند ۱۳۷۲

### «نوروز، جشن آفرینش»: کیوان نریمانی

«... مهم‌ترین ویژگی جشن یا عید، بنیادهای مذهبی-اساطیری آن است. واژه‌ی جشن (نَیسَن yasn) خود به معنی پرستش و تقدیس است. افزون بر این، جشن به رویدادی طبیعی یا ملی گفته می‌شود که رنگ اسطوره به خود گرفته است.»

«به همین گونه، جشن سال نو ایرانیان، جشن نوروز، جشن مرگ زمان کهن و زایش زمان نو است که در شمار باستانی‌ترین و دیرپاترین جشن‌های این سرزمین است.»

«واژه‌ی «نوروز» در پهلوی به صورت نوک روچ (noc roc) به همین معنا به کار می‌رفته است...»؛

«... ابوریحان بیرونی در مورد نام‌گذاری «نوروز» چنین آورده است: «نخستین روز است از فروردین ماه و

بدین جهت نوروز نام گرفته که آغاز سال نو است و تا پنج روز از آن، جشن‌ها برپا می‌کردند...»

«... جشن نوروز، نه تنها جشن آفرینش انسان و طبیعت است، بلکه جشن میلاد زرتشت سپیتمان نیز هست که به ششمین روز از نوروز منسوب است.»

«... جشن فروردین، حتی پس از تغییر دین ایرانیان، توانست هم‌چنان جایگاه ارجمند خود را نگاه دارد. در

مآخذ شیعه [نیز]، نوروز پایگاه و جایگاه و نام و نشان برجسته‌ای دارد...»

«نوروز را پاس داریم و آن را مبنایی برای سازندگی و آبادانی کشور قرار دهیم...»

## گزارش ۳۴ - پاییز ۱۳۸۱

### کنکاش: سیدمصطفی شریفی

«... در ورودی شمالی شهر و در کنار دروازه قرآن و همسایگی مقبره‌ی خواجه، هتل بزرگی با حجم نامتناسب ساخته می‌شود و در داخل شهر در خیابان زند (روبروی خیابان فلسطین) هتل بزرگ‌تر دیگری در جایی که نه محوطه‌ای باز دارد و نه فضای سبز، اجازه ساخت و بلعیدن خیابان‌های اطراف خود را می‌گیرد. در بلوار چمران - جایی که به بزرگراه معروف است - بیمارستان‌ها و هتل‌ها اجازه‌ی ساخت می‌گیرند و مثل قارچ از زمین می‌رویند و ترافیک می‌آفرینند و تصادف پشت تصادف.»

در خیابان زرگری باغ بزرگی را به عنوان احداث دانشکده‌ی علوم قرآنی تخریب می‌کنند، درحالی که پس از چند سال فقط یک بازارچه‌ی تجاری احداث می‌شود و این در حالی است که برای محوطه‌ای به طول ۷۰۰ متر و با عرض متوسط ۷۰ متر در منطقه‌ای که به «بین‌الحرمین» مشهور است، ساختمان‌های مسکونی و آملی تأثیر روباز و تکیه و مسافرخانه و ... طراحی می‌شود (جایی که شاید بهترین محل برای احداث دانشکده‌ی علوم قرآنی باشد). در خیابان عقیق‌آباد زمین‌هایی را با صددرصد سطح اشغال پروانه‌ی تجاری می‌دهند. با این توجیه که سرمایه‌گذار خارجی دارد). در حاشیه‌ی جنوبی خیابان چمران درختان توت قرمز می‌کارند که فقط باعث کثیفی پیاده‌رو و خیابان در فصل میوه می‌شود و گاه‌گذاری هم موجب تصادف کردن کسانی که برای چیدن چند توت توقف می‌کنند و هیچ‌گونه سایه و استفاده‌ای غیر از کم کردن عرض پیاده‌رو برای شهروندان ندارد و ... بی‌سبب نیست اگر بگوییم که در سال‌های اخیر بیش‌تر به مسأله‌ی مسکن پرداخته‌ایم و شهرسازی را فراموش کرده‌ایم...»

## گزارش ۴۱ و ۴۲ - پاییز ۱۳۸۳

### در اجلاس هفتم هیأت عمومی چه گذشت؟ - اردشیر دیلمی

«سخن‌ران بعدی نخستین روز اجلاس، وزیر محترم مسکن و شهرسازی بود، ایشان در سخنان خود اظهار نمودند که پس از وقوع زلزله‌ی بم مطالعات و بررسی‌های گسترده‌ای بر روی سیستم ساخت‌وساز کشورهای زلزله‌خیز انجام داده‌اند و تحقیقات انجام شده، ایشان را به این نتیجه رهنمون ساخته که میزان تلفات و خسارات جانی و مالی زلزله در کشورهایی که زمین لرزه را «فرصت» شمرده‌اند همیشه کم‌تر از آمار مشابه ممالکی است که آن را «تهدید» دانسته‌اند و اضافه فرمودند که: «اگر ما زلزله‌ها را فرصت بدانیم، به جای آن که کمیته‌های بحران تشکیل دهیم، ستادهای سازندگی ایجاد می‌کنیم و ...»

بی‌شک سخنان وزیر محترم بسیار نغز و پُرمعنی بود، شخصیت دوست‌داشتنی و زحمات بی‌شائبه‌ی دوران تصدی مقام وزارت، مَهر سکوت بر لب همگان نشانده بود، ولی در نگاه‌های پرسش‌گر بر صندلی نشستگان، پرسش‌هایی از این قبیل موج می‌زد که: «چرا این همه دیر... آیا دست‌یابی به چنین برداشتی نیازمند سپری شدن این همه سال است؟ آیا قبل از وقوع آن زلزله‌ی ویران‌گر هیچ فرصتی برای مطالعه و بررسی پیش

واژه‌ی «نوروز» در پهلوی به صورت نوک روچ (noc roc) به همین معنا به کار می‌رفته است...»  
«... ابوریحان بیرونی در مورد نام‌گذاری «نوروز» چنین آورده است: «نخستین روز است از فروردین ماه و بدین جهت نوروز نام گرفته که آغاز سال نو است و تا پنج روز از آن، جشن‌ها برپا می‌کردند...»

... جای تردید نیست که مهندسان در مقام به‌کارگیرندگان دانش و فن‌آوری و به فعل در آورندگان دست‌آوردهای علمی، نقشی به مراتب حساس‌تر از دیگران در «توسعه» با حفظ «سلامت محیط زیست» دارند و باید بیش از دیگران چه به صورت فردی و چه در قالب سازمان‌ها و نهادهایی که مشارکت دارند، در این راستا بکوشند...



نیامده بود؟ آیا قبل از زلزله‌ی بم، مردم و مسئولان این کشور، هیچ زلزله‌ی مصیبت‌بار دیگری را تجربه نکرده بودند؟

اصولاً چرا برخی از مسئولان فکر می‌کنند همه‌چیز را باید شخصاً بررسی کنند و به نظرات و هشدارهای کارشناسان و نخبگان اهل فن کم‌توجهی می‌نمایند؟ و... بالاخره این که چرا مردم ما برای کسب تجربه‌ی مسئولان محترم‌شان باید این همه هزینه بپردازند؟...»

### گزارش ۷۴ و ۷۵ - زمستان ۱۳۹۱

#### «آشفته‌گی معماری و شهرسازی ایران امروز»: شادروان کاظم معمارضیا

هویت در طول زمان شکل گرفته و دست‌خوش تغییرات می‌شود، مانند هویت فردی. یک انسان از زمان نوزادی به یک نام شناخته می‌شود؛ اما در طول زندگی تحت شرایط زندگیش، اعم از خانوادگی و اجتماعی متحول می‌شود. یک شخص در شرایط مطلوب به سمت پختگی و کمال می‌رود. اما برخی هم در اثر شرایط خاص دچار پریشانی روان و شخصیت شده و هویتی نامطلوب می‌یابند. معماری هم همین گونه است. معماری که از آن به عنوان معماری ایرانی-اسلامی نام می‌بریم در مسیر تاریخ و تحت تأثیر شرایط، چنین امتدادی دارد. «می‌توان گفت شهرهای ما از تاریخ خود گسیخته‌اند و در توسعه‌ی آن‌ها از گذشته درسی گرفته نشده است، اکثراً دچار آشفته‌گی معماری هستند و هویت مطلوب ندارند. از زمانی که جمعیت ایران حدود ۱۵ میلیون نفر بوده تاکنون که به حدود ۷۵ میلیون نفر رسیده است، همواره تراکم شهرهای موجود را افزایش داده‌ایم و...» «... افزایش جمعیت و مهاجرت از روستا به شهر، رشد شتابان شهرنشینی را در پی داشته است. این افزایش انفجارگونه، جمعیت شهرهای ما را بیش از حد متراکم نموده و آن‌ها را دچار آلودگی‌های گوناگون و بیماری‌های زیست محیطی و اجتماعی نموده است...»

### گزارش ۹۴ - پاییز ۱۳۹۶

#### آغاز سخن: سیدمصطفی شریفی

«باز آمد؛ باز هم آمد و بر جای گذاشت آوارِ خروارها تَن آجر و آهن و سیمان را، و با خود بُرد صدها جان پاک بی‌گناه را؛ باز هم آمد، باز آمد و با خود آورد اندوه و ماتم و غم و درد و حرمان و افسوس و دریغ را و بر جای گذاشت هزاران مجروح و معلول و از کار افتاده را، و با خود بُرد هزاران هزار اندوخته‌های سالیان آن هزاران مردم بی‌گناه را و سرمایه‌های این کهن کشور پُرنشان از پریشانی و آشفته‌گی و ندانم‌کاری‌ها را! باز بارهای پیش و پیشین هم آمده بود و با خود آورده بود و برجای گذاشته بود و با خود بُرده بود همین‌ها را؛ باز هم خواهد آمد و خواهد آورد و خواهد بُرد! زلزله را می‌گوییم؛ سیل را، برف را، خشک‌سالی و بی‌آبی را می‌گوییم؛ بحران‌ها را، عدم مدیریت بایسته و شایسته‌ی بحران را و بحران مدیریت‌ها را می‌گوییم.» «برای حمایت از انبوه‌سازان، همه گونه تسهیلات مادی از قبیل زمین ارزان، بخشودگی عوارض، وام کم‌بهره، بخشش‌های مالیاتی و مشابه این‌ها را برای آنان در نظر بگیرید، ولی آنان را از رعایت ضوابط فنی و مقررات ملی ساختمان و نظارت بر کار آنان معاف نکنید...»

«متأسفانه بعضی از صاحبان تریبون‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی نیز در سخن‌رانی‌ها و مصاحبه‌های غیرتخصصی خود در هنگام بروز حوادث طبیعی مانند سیل و زلزله و طوفان و مشابه آن‌ها برای تسکین مصیبت دیدگان معمولاً تنها در محدوده‌ی تقدیر و آزمایش الهی و راضی بودن به رضای پروردگار سخن می‌گویند و کم‌تر به پیشرفت علوم و امکان مقاوم‌سازی ساختمان‌ها و پیش‌گیری از بروز خسارات احتمالی می‌پردازند.»

### گزارش ۹۵ - زمستان ۱۳۹۶

#### آغاز سخن: کیوان نریمانی

«پیش‌ترک‌ها، به گمانم ۲۵ سالی می‌شود که جُستار «نوروز جشن آفرینش» را در فصل‌نامه‌ی گزارش نوشتیم؛ آن روزها هنوز حال دریاچه‌ی پریشان خوب بود؛ پزندگان مهاجرش را میزبان بود؛ هنوز ریزگرد نبود؛ دود و دما هنوز نفس شهرها را نگرفته بود؛ باران می‌بارید؛ مادرانه و بی‌دریغ می‌بارید؛ زمین هنوز خیم بد انسان را برمی‌تافت؛ بم هم هنوز سوگوار نبود؛ پلاسکو نسوخته بود؛ کرمانشاه می‌خندید؛ سانچی هنوز آهن‌هایش را در معادن و کوره‌ها انتظار می‌کشید و ما همه جوان‌تر بودیم؛ هم‌چون نوروز؛ مهندسان در اندیشه‌ی طرحی نو در انداختن بودند تا آبادانی و خرمی را با شادکامی گره زنند؛ چون سبزه زار و هنوز، هنوزاهنوز، روز مهندس را پاس می‌داریم تا هم‌چنان شادمانی ساختن را فراگیر بیفشانیم و بیفزاییم؛ برون شده از تنگنای غار تا بلندای آسمان و ابر؛ برای همه‌گان، برای روشنی و نوزایی و نوروز و آدمیان، برای تمام آدم‌ها بی‌تبعیض!...» ■

هویت در طول زمان شکل گرفته و دست‌خوش تغییرات می‌شود، مانند هویت فردی. یک انسان از زمان نوزادی به یک نام شناخته می‌شود؛ اما در طول زندگی تحت شرایط زندگیش، اعم از خانوادگی و اجتماعی متحول می‌شود. یک شخص در شرایط مطلوب به سمت پختگی و کمال می‌رود.

